

شعر زمان ما

۳

سهراب سپهری

شعر سهراب سپهری از آغاز تا امروز

شعرهای برگزیده

تفسیر و تحلیل موفق ترین شعرها

از

محمد حقوقی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

فصل اول (جوانب کار شاعر)

تحوة «آفرینش» و عدم «تنوع» در شعر سپهری ۱۱ - دوره های شعر سپهری ۱۴ - سیر چگونگی بیان در دوره اول شعر سپهری ۱۵ - سیر چگونگی بیان در دوره دوم شعر سپهری ۲۰ - سه نوع بیان شعر سپهری ۲۵ - تخیل زائد در شعر سپهری ۲۷ - شعر «حرفی» و نه «ساختاری» سپهری ۲۹ - تفاوت شعر نیما و سپهری ۳۰ - شعر سپهری واجد «جوهر شعری»، «بیان خاص» و «جهان بینی» ۳۲ - شعر سپهری فاقد اصل ساخت ۳۴ - شعر سپهری، شعری مستعد «حذف» ۳۵ - یکی از موارد تفاوت شعر شاملو و سپهری ۳۹ - «ادراک» و اژده کلیدی جهان بینی سپهری ۴۳ - «خدا»، دیگر واژه «بسامد»ی شعر سپهری ۴۴ - سپهری، شاعر خردسال، نه عارف سالخورد ۴۹ - تأثیرپذیریهای سپهری ۴۹ - تفاوت نگاه سپهری و فروغ ۵۱

فصل دوم (شعرهای برگزیده)

مرگ رنگ ۵۵
توضیح ۵۷
مرغ معما ۵۹ - سپیده ۶۱ - روبه غروب ۶۳ - مرگ رنگ ۶۵ - جان گرفته ۶۷ - دژة خاموش ۶۹ - دریا و مرد ۷۱ - نقش ۷۳ - سرگذشت ۷۶ - با مرغ پنهان ۷۹
زندگی خوابها ۸۱
توضیح ۸۳
یادبود ۸۵ - گل کاشی ۸۸ - لولوی شیشه ها ۹۱ - لحظه گمشده ۹۴ - باغی در صدا ۹۷ - نیلوفر ۱۰۰ - سفر ۱۰۲
آوار آفتاب ۱۰۵
توضیح ۱۰۷

روزنه‌ای به رنگ ۱۰۹ - شاسوسا ۱۱۱ - سایبان آرامش مائیم ۱۱۷ - آوای گیاه ۱۲۰ - میوه تاریخ ۱۲۲ - نیایش ۱۲۴ - نزدیک آی ۱۲۶ - خوابی در هیاهو ۱۲۸

شرق اندوه ۱۳۱

توضیح ۱۳۳

هلا ۱۳۵ - نا ۱۳۷ - پادمه ۱۳۸ - چند ۱۳۹ - شکپوی ۱۴۱ - نه به سنگ ۱۴۲ - شورم را ۱۴۳ - های ۱۴۵ - Bodhi ۱۴۷ - تراو ۱۴۸ - وید ۱۴۹ - و شکستم و دویدم و فتادم ۱۵۰ - گزار ۱۵۲

دو شعر بلند ۱۵۳

توضیح ۱۵۵

صدای پای آب ۱۵۹

مسافر ۱۸۳

حجم سبز ۲۰۵

توضیح ۲۰۷

ساده رنگ ۲۰۹ - روشنی، من، گل، آب ۲۱۱ - آب ۲۱۳ - در گلستانه ۲۱۵ - جنبش واژه زیست ۲۱۸ - ندای آغاز ۲۲۰ - به باغ همسفران ۲۲۳ - پیامی در راه ۲۲۷ - دوست ۲۳۰ - واحه‌ای در لحظه ۲۳۳ - پشت دریاها ۲۳۵ - پرهای زمزمه ۲۳۸ - پیغام ماهی‌ها ۲۴۰ - غربت ۲۴۲ - نشانی ۲۴۴

ماهیچ، ما نگاه ۲۴۷

توضیح ۲۴۹

وقت لطیف شن ۲۵۱ - متن قدیم شب ۲۵۳ - تنهای منظره ۲۵۷ - تا انتها حضور ۲۵۹ - سمت خیال دوست ۲۶۱ - نزدیک دورها ۲۶۳

فصل آخر (گزیده مقالات)

مقدمه ۲۶۷

گزیده مقالات ۲۶۹

مؤخره ۳۱۱

بیش از این در دو کتاب گذشته «شعر زمان ما» نوشته آمد که: «تنوع» در آثار شاعران راستین دیده نمی‌شود. زیرا اینان از پیش، انتخاب موضوع نمی‌کنند و اساساً در لحظه سرایش، به موضوعات خاص نمی‌اندیشند و شعر آنها در حقیقت، سیلان ذهن آنهاست که در آنات آفرینش شعر، در سیر زبان جریان می‌یابد و بر کاغذ می‌آید. و چون آمد، خود چگونگی شکل درونی و بیرونی خود را نشان می‌دهد. و در واقع اگر هر شعر، با دیگر شعر شاعر، متفاوت به چشم می‌خورد، به اعتبار درجات حالات وی در آستان آفرینش آفریده اوست. آفرینشی که به علت نوسان آن حالتها، گاه حاصل حوصله‌ای فراخ‌تر و تخیلی نیرومندتر و دورپروازتر است و گاه، نتیجه تخیلی با نیرو و بُرد و توسع کمتر، که از مجرای حوصله‌ای تنگ‌تر سرریز کرده است. و اّتصاف صفات «خوب» و «متشکل» یا «بد» و «متوسط»، به اشعار گونه‌گون او، هم از این روست. و چون از من منتقد پرسیده شود که موضوع آن چیست، پاسخی جز این نمی‌توانم داد که

نحوه «آفرینش» و عدم «تنوع» در شعر سپهری

موضوع خاصی ندارد.

چنین است که هیچگاه به زبان یک خواننده آگاه شعر، چنان جمله‌ای نخواهد نشست. چرا که شعر (و نه نظم) را «تنوع» موضوع نیست. و نه «تنوع» شکل و فضا، که خود موجب تمییز اشعار مختلف یک شاعر است. اصلی که مثلاً در شعر «نیما» به طور کامل دیده می‌شود و در شعر «سپهری» نه آنچنان. در مثل «افسانه» نیما یا «ناقوس» یا «مرغ آمین» از نظر «فضا» و «ساخت»، کاملاً قابل تشخیص و تمییز از یکدیگرند.^۱ اما در شعر سپهری چنین نیست. چون فاقد استقلال، به اعتبار «ساخت» و «فضا» است. اما در عین حال نیز در شعر او نمی‌توان به دنبال تنوع موضوع گشت.^۲ چون او یک شاعر واقعی است و به خود متوجه، نه به چیزهای

۱. اصلی که مشمول شعر شاعران بزرگ تاریخ ما نیز هست. یعنی در عین حال که شعر آنها فاقد تنوع موضوع به صورت مشخص و آشکار است، ولی از نظر «شکل» و «فضا» خالی از تنوع نیست. به عبارت دیگر «شاهنامه فردوسی» و «هفت گنبد نظامی» و «منطق الطیر عطار»، و هر داستان منظوم موفق دیگر، از لحاظ استقلال به اعتبار «ساخت» و «فضای» خاص با یکدیگر متفاوتند. و لاجرم متنوع. و هم چنین است «غزلیات شمس» یا غزل‌های حافظ، که بی‌اینکه هر کدام را موضوعی یا عنوانی ویژه باشد، دارای استقلال «ساخت» و «فضا» است. و البته در هر بیت، و به همین اعتبار است که فی‌المثل دو غزل مشهور «دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند»، و «دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند»، از نظر «فضا» و «ساخت»، در هیئت ابیات هر غزل با هم متفاوت و لاجرم متنوعند. بی‌اینکه بتوان به موضوع خاص هر کدام، زیر عنوانی کوتاه اشاره کرد. در صورتی که در دواوین امثال عنصری و منوچهری، و جمال‌الدین عبدالرزاق و ادیب‌الممالک و ملک‌الشعراء بهار و بسیاری دیگر این تنوع موضوع را بسیار می‌توان دید. مثلاً «فتح سومات»، «ساخت شراب»، «نعت پیامبر»، «حشرات الارض بهارستان»، «جغد جنگ»، و خاصه در دیوان ابن‌یمین، که دیگر، همه، موضوع خاص است: پیری، جوانی، ظلم، مناعت طبع و... و در شعر شاعران «طرز هندی»، که دیگر لاتعد و لاتحصی است. منتها آن در «قطعه» اش جای می‌دهد و این، در «تک‌بیت» اش.

۲. از آنسان که در نثر هست. که معمولاً هدفی جز بیان مقصود ندارد و جز به موضوع منظور نمی‌پردازد. حال اگر به همین ترتیب موضوعی از شعری استخراج شود، در حقیقت جوهر ملخص پیام آن شعر است و لاغیر. و از همین روست که یک شعر راستین

مجرد و موضوع‌های منفرد و منحصر. او موقعیت آرمانی در جهان را می‌جوید و با نگاهی روان و گردان، که از سرچشمه پنهان ذهن و خیال او جاری می‌شود در مسیرهای مختلف به راه می‌افتد و به دنبال تازگیها به قصد تازه‌بینی‌ها و نام‌گذاریهایی نو می‌رود. او جز تماشاگر خود و جهان خود نیست. و جز خود را در شعر خود تعقیب نمی‌کند. و این پشتوانه فرهنگی و ذهنیت خاص و حساسیت تاریخی اوست که در لحظه آفرینش چون خونی در رگهای شعر او که نسج و بافت مختص و مشخص دارد، جریان می‌یابد و شاعر و شعر را بر پله ویژه خویش می‌نشانند. و نگاه روزگار را که مجاز حقیقت دآوری انسان هنرشناس است، متوجه او می‌کند. و از همین روست که شاعرانی از این دست دوره‌های مختلف شعری دارند. و این ادوار از دوره ابتدائی تا دوره جستجو و از دوره جستجو تا دوره یافتن خط فکری مشخص و زبان شعری مختص، امتداد می‌یابد. و سرانجام چه از نظر فکر و چه از لحاظ زبان به مرتبه‌ای می‌رسد که شعر او بی‌امضاء نیز شناخته می‌شود. منتهای مراتب اینکه برخی از اینان دوره‌های شعری بیشتری دارند و به عبارت دیگر، سیر تدریجی فکر و زبان شعر آنان، مشخص‌تر است. مثل نیما و شاملو و اخوان و سپهری، و کمتر «فرخزاد»، که از همان دوره اول شاعری خود، ناگهان جهش می‌کند و به «تولد دیگری» می‌رسد. و در نتیجه جز دو دوره شعری را پشت سر نمی‌گذارد. دو دوره‌ای که در سیر تدریجی کار شاعری سپهری نیز به صورتی دیگر دیده می‌شود:

دوره نخست که شامل چهار مجموعه اولین اوست: یعنی «مرگ رنگ»، «زندگی خوابها»، «آوار آفتاب» و «شرق اندوه»، و دوره دوم که چهار مجموعه آخرین او را شامل می‌شود: «صدای پای آب»، «مسافر»، «حجم

که تعریف دقیق شعر دارد، خلاصه پذیر نمی‌تواند بود. باید همه آن را خواند، و با نگاه دقیق به روابط و «بارها» و نقش‌های گوناگون کلمات و تعبیرات آن، رنگی از جوهر زندگی شاعر را در پشت زبان آن دید.